خراسان رضوی

صفحه آخر

سه‌شنبه
۴ آبان ۱۳۹۵
۲۳ محرم ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۴۱۴

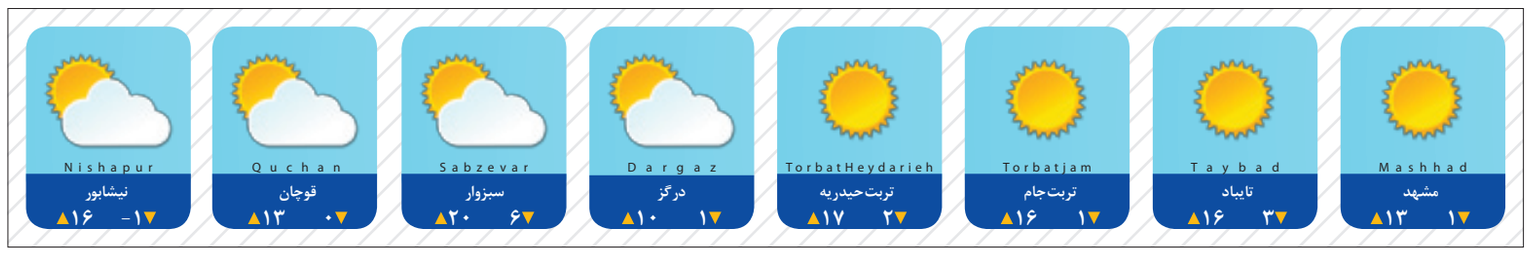

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

رسول اکرم(ص)

خوشا به سعادت کسی که عمرش طولانی و کردارش خوب باشد. چنین کسی عاقبتش خوب است؛ زیرا پروردگارش از او راضی است. و وای بر کسی که عمرش طولانی و کردارش بد باشد. چنین کسی عاقبتش بد است؛ چرا که پروردگارش از او ناراضی است.

بحارالأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۰، ح ۹۵

شاعران خراسانی

اخوان ثالث

نمای تاریخی

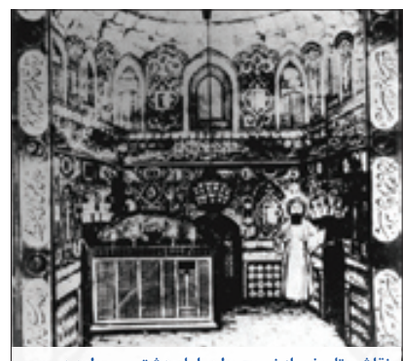

نقاشی تاریخی از ضریح مطهر امام هشتم مربوط به دوره قاجار - عکاس: منوچهر خان عکاس باشی - ۱۳۰۰ قمری

عکسی از ضریح تاریخی امام رضا(ع)

خراسان به روایت خراسان

۴ آبان سال ۱۳۲۹

در و پنجره ادارات دولتی سرقت شده است!

۶۶ سال پیش در چنین روزی، روزنامه خراسان نوشت:

فریمان؛ خبرنگار خراسان- از قرار اطلاع، ساختمان برخی مؤسسات و ادارات فریمان خراب و نیازمند تعمیرات جدی است. چند وقت پیش در بازدید وزیر فرهنگ نیز این نکته اعلام شد. متأسفانه در تعدادی از این ساختمان‌ها، در و پنجره‌ها به سرقت رفته است. جناب وزیر دستور پیگیری دادند و قرار شد تعمیرات و حفاظت مناسب انجام شود. یکی از این بناها، ساختمان بیمارستان فریمان بود که به دلیل همین سرقت‌ها از حیز انتفاع خارج شده. اخیرا مرمت ساختمان آن را شروع کرده و باجدیت دنبال می کنند. به نظر می رسد تا چند ماه دیگر کار تمام شود و بیمارستان فریمان هم راه بیفتد. ما از اقدام خوب مسئولین مربوطه سپاسگزاریم.

مختار در سعدآباد ناگهان فوت کرد!

مشهد؛ خبرنگار خراسان- مختار فرزند حیدر، مشهور به آزادی، شب سه شنبه صحیح و سالم به منزل خود واقع در سعدآباد رفته و خوابیده، صبح جسد بی جان او را در رختخواب مشاهده می کنند. طبق تشخیص پزشک قانونی، وی به مرض سکته قلبی فوت نمود. جنازه پس از انجام تشریفات قانونی دفن شد.

تپه میراحمد و کند کلی مدرسه‌دار شدند

سرخس؛ خبرنگار خراسان- یک باب دبستان چهار کلاسه در سرخس افتتاح شده و چهار دبستان دیگر نیز در اطراف سرخس، یعنی در کند کلی، نوروزآباد، دولت‌آباد و تپه میراحمد که اثاثیه آنها را اداره املاک آستان قدس در سرخس اهدا نموده، عنقریب افتتاح خواهد شد. اداره فرهنگ هم تصمیم گرفته به دانش‌آموزان بی بضاعت لوازم تحصیلی رایگان بدهد.

فقر در طیبات بیداد می کند

طیبات [تایباد]؛ خبرنگار خراسان- اخیراً به واسطه نبودن کار در طیبات، هر روز بر تعداد متکدیان و فقرا افزوده می شود. شرایط اصلا خوب نیست و باید فکری جدی برای آن کرد. مردم خیّر شهر دست به کار شده‌اند و دیروز، به مناسبت ایام شهادت خامس آل عبا، آقای پاک باطن، رئیس اداره پست شهر، حدود صد نفر از فقرا را اطعام کرد. سایر خیرین شهر نیز همین اقدامات را انجام می دهند، اما کافی نیست. هوا رو به سردی می‌رود و وضعیت فقرای شهر هر روز بدتر می‌شود. دو شب قبل، یکی از همین فقرا بر اثر سرما و گرسنگی فوت کرد. ما توجه مسئولین را به رفع این موضوع جلب می کنیم.

تصادف ماشین پست در تربت

تربت حیدریه؛ خبرنگار خراسان- ساعت ۹ صبح دیروز، اتومبیل پست مشهد به زاهدان، در ۲۶ کیلومتری تربت، چپ شده و از ۱۲ نفر مسافر این ماشین، دو سه نفر مجروح و به بیمارستان تربت حیدریه منتقل شده‌اند. محمولات پستی را هم به تربت اعاده داده‌اند.

پلخمون باز

طنز

* از کل سه تا کتاب عربی دبیرستان فقط یگ جمله هنوز تویادُم مونده
پس شد آنچه شد...
* دیشب به مامانُم مُگُم مو ره بفرست خونه بخت خودته راحت کن، مگه اولا کسی از جونش سیر نشده بیاد تو ره بگیره...، ثانیا حق الناسه، مو خودومه راحت کُنُم دیگران رو نارا حت؟! عاچقُتُم ننه
به بابام مُگُم:
* امروز حالُم خوب نیست... خیلی بی حالُم
بابام مِگه: تو همیشه حال نداری نه می‌میری، نه خوب مِشی!
سر را هی اُم مِدنُم
* مو چشمُم به دوربین مداربسته مغازه ها میُفته ناخودآگاه حرکاتُم مشکوک مِره!
شمام اینجورین؟
* یه یره گی قهرمان شنا مِشه از ش مِپُرسن از کجا شروع کِردی مِگه والا ما که اُمکانات نداشتِم، از زمین خاکی!!

تنور

عمو شاطر

زنیرو بود مسئولان را راستی و گرنه

اگر قول بدهید به کسی چیزی نگویید، به شما خواهم گفت که اخیرا شنیده ام که شاعر فرموده است: «زنیرو بود مسئولان را راستی، زسستی وعده الکی زاید و لیستی!» که مراد از لیست در این جا آن لیست معروف حقوق بگیران نجومی نیست و صرفا چون شاعر قافیه کم آورده یک چیزی از خودش پرانده است، شما خیلی خودتان را نگران نکنید. اما واقعا اگر جای شما باشم از این که مسئولانی اهل ورزش داریم، بسیار کیفور می شوم. تصاویری که می بینید مربوط به کوهنوردی مسئولان استان و همچنین شرکت در نمایشگاه ورزش است. از جمله ورزش های لازم برای مسئولان، همین کوهنوردی است. چرا که کوه بسیار فواید دارد، مثلا وقتی یک مسئول در سربالایی کوه قرار می گیرد و به سختی گام بر می دارد، ضمن این که درک عینی و واقعی از «شیب ملایم» پیدا می کند متوجه حال مردم در سربالایی های زندگی نیز می شود. البته همان طور که در تصویر ملاحظه می کنید یکی از تفاوت های کوهنوردی مسئولان با کوهنوردی مردم، حضور شاسی بلندها پشت سر مسئولان است که اگر زبانم لال، روم به دیوار، گلاب به روتون، کفن پیچ بشم الهی، گاوز بونم رو گاز بگیره، یه وقت خدای نکرده نازنین مچ پای مسئولی پیچ خورد، فورا به شاسی بلند انتقال یابد. همچنین از دیگر مزایای کوهنوردی مسئولان همانا پژواک صداست، ما خودمان با همین جفت گوش های خودمان شنیدیم که مسئولی در دل کوهی فریاد بر آورد: «من خادم شما هستم مردم»

و در مقابل کوه پاسخ داد: «قربون دستت همین شارژ الیت رویه بر رسی بکن، الکی از حساب ما کم می کنه!!» تیر اندازی نیز از جمله ورزش هایی است که هر مسئولی باید به خوبی بلد باشد. چون ما مردم سه چهار تا هدف با یک تیر زدن را از هر مسئولی انتظار داریم. نمونه اش همین اتوبوسرانی که هم مردم را جا به جا می کند، هم ترمزهای میخی باعث تقویت عضلات پشت بازوی مسافرانی می شود که از میله ها آویزان هستند و به جهت فشردگی جمعیت باعث افزایش همدلی و نوعدوستی می شود.

خاطرات یک نعش کش - قسمت نهم

میلاد خوشخو

ارشاد بوقچی ها در حاشیه زمین فوتبال

این بار رنگ و بوی ماموریتمان متفاوت بود. تا به حال چیزی از عملیات اضطراری نعش کشی نشنیده بودیم که این یک قلم را هم شنیدیم و به همت دوستان حسابی چشیدیم. ماجرا از این قرار بود که دیروز حوالی ساعت ۴ عصر مدیر مرکز به همه واحدها وضعیت آماده باش را برای انجام ماموریت در ورزشگاه اعلام نمود که گویا یک بازی از سری مسابقات فوتبال از نوع دربی اش در آن برگزار و پیش بینی می شد که شهر آورد به شهر آشوب بدل شود.

پس از اعلام این خبر به خوبی می شد سایه استرس و اضطراب را در چهره تک‌تک کارکنان شجاع و نترس اداره کل امور میّت‌ها مشاهده نمود. اما آقای مبارکه که از بر و بچه‌های با تجربه نعش کشی به حساب می‌آیند با خونسردی هر چه تمام‌تر همه ما را دور خودش جمع کرد و با صدایی نافذ و قدرتمند گفت: «برین و جفت جفت برای عملیات بزرگ آماده بشین.» سپس سقلمه‌ای به پهلوی من زد و گفت: «بریم دکتر...»

چهره اطرافیان نشان می‌داد که حمله تماشاگرنماها و بوقچی‌ها و حامیان تشکیلاتی؛ قریب الوقوع خواهد بود. در افکار خودم غرق بودم که مبارکه فریاد کشید: «حواست کجاس پسر؟ بدو بریم.» قیافه جدی مبارکه جایی برای سوال پیچ کردن نگذاشته بود و به ناچار سراغ اجرای اوامرش رفتم.

توی راه مبارکه با سکوتی سنگین رانندگی می کرد و همچنان جرأت سوال کردن را از من سلب کرده بود. کم کم به مناطقی رسیدیم که صدای همهمه و فریاد جمعیت به گوش می‌رسید. مبارکه گفت: «خوب گوش کن ببین چی میگم. وقت پلک زدنم نداریم. همه چی کمتر از چند ثانیه اتفاق میفته... همین که ترمز کامل زدم، همزمان می‌ریم یه میت رو از روز زمین بلند می کنیم... مثل فشنگ باید بندازیمش تو آمبولانس و برگردیم.» از شدت گیجی با حالتی عصبی فریاد زدم: «اصلا معلوم است چه شده و شما چه می کنید؟! کدام میت...؟ مگر ورزشگاه زمین جنگ است؟»

مبارکه (با حالتی حماسی و با صدای بلندی که در گلو انداخته بود) گفت: «خونسرد باش دکتر! برو فریادت رو سر اونایی بکش که اونور خط واستادن و دارن جولان میدن.»

مبارکه با اشاره به ورزشگاه حرکتش را به سمت در اصلی آن ادامه داد و با سرعت وارد زمین فوتبال شدیم. اما کدام فوتبال؟ برای اولین بار در عمرم میدان جنگ را به عینه دیدم. سنگ و کلوخ در آسمان موج می‌زد و آماجش سر و کله بازیکنان بود و تماشاگران و سایر موجودات متحرک. مبارکه روی پیست دو و میدانی با سرعت راند و به قسمتی رسیدیم که چند میت را روی زمین گذاشته بودند. طبق نقشه قبلی و زیر باران سنگ یک جنازه را انتخاب نموده و با گرفتن یک دست و یک پای آن مرحوم به طرفة العینی او را داخل آمبولانس انداخته و از مهلکه ورزشگاه گریختیم. باور صحنه‌هایی که دیده بودم برایم غیر ممکن بود. تا چند دقیقه هیچ آوایی بین من و مبارکه رد و بدل نمی‌شد جز صدای نفس نفس زدن‌های منقطع. تا اینکه بر خلاف همیشه و بدون هیچ پرسشی از سوی ما، این سکوت توسط خود متوفی شکسته شد و بی مقدمه فریاد برآورد: «توپ، تانک، فشفشه...» که ناگهان مبارکه فرمان را رها کرد و با جهش بلندی به سمت عقب آمبولانس روی میت پرید و دهانش را گرفت. تنها کاری که از دستم بر می‌آمد کنترل اضطراری ماشین بود که انجام داده و خودرو را متوقف نمودم. صحنه عجیبی رخ داده بود. جناب مبارکه با صورتی برافروخته روی جسد افتاده بود و دهانش را فشار می‌داد. شگفت‌زده پرسیدم: «چرا این طور کردید؟ می خواست حرکت انتحاری انجام دهد؟»

مبارکه: «دهن این جماعت خیلی خطرناکه»

متوفی که از رنگ رخساره همکارم ترسیده بود، دستانش را به نشانه تسلیم بلند کرد و با اشاره سر، قول سکوت داد. مبارکه نیز با نگاهی عصبانی به چشمانش خیره شد و گفت: «دارم ولت می‌کنم... ولی به جون این دکتر قسم اگه یک کلمه بی‌ربط از دهنت در بیاد، من می دانم و تو!» و سپس دستش را از دهانش برداشت.

میت: «آقا به جون خودم بعدش می خواستم بگم داور، عزیزم، دقت کن...»

مبارکه: «بیخود کردی... لابد این نارنجک توی جیبتم بزنی زمین سوت بلبلی می‌زنه واسه ما! خجالت بکش... ببین با این فاجعه فرهنگی چه وضعی برای ورزش مملکت ما دُرُس کردین... هر چند اگه آموزش درست و درمون دیده بودین که وضع ما این نبود! اصلا از کجا معلوم تویکی از همون بوق‌ها... نه ببخشید بوقچی‌ها نباشی؟ از همونا که فحششون نگیره جادو جمبل می کنن تو زمین فوتبال!»

من: «حقیقتا به نکات ظریفی اشاره فرمودید. فقدان آموزش و پرورش فرهنگی در امور ورزش و ارشاد جوانان به وضوح در کشور احساس گردیده و به نظر این حقیر نیاز به کارشناسی خاصی نداشته و باید به صورت یهویی تغییر کند. لکن شایسته است یقه متولیان امور ستانده شود.»

در پی این مکالمه سازنده، خیالمان راحت شد که با این حرکت ارشادی، همه مشکلات مرتفع شده و امور آموزشی در فرهنگ ورزش اصلاح می‌گردد. لذا با خوبی و خوشی راهی قبرستان شدیم.

مشهد

Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

بازنشسته‌های بلژیکی در سفر به خطه خراسان رضوی از میراث تاریخی و فرهنگی سبزوار دیدن کردند. گردشگران فرانسوی هم اخیرا از موزه و منزل شهید مطهری در فریمان بازدید کردند.

در آستانه هجدهمین سال ساخت فیلم «روبان قرمز» عکسی از پشت صحنه این فیلم انتشار یافت: در این تصویر رضا کیانیان و ابراهیم حاتمی کیا در قایق نشسته‌اند. همچنین چهره مرحوم سید ابراهیم اصغرزاده هنرمند و مستندساز مشهدی نیز در این عکس دیده می‌شود.

یکی از شیشه‌های حایل بین قسمت خواهران و برادران در روضه منوره جابه جا شده است و با این اقدام، فضای گرداگرد ضریح مطهر، به تساوی بین قسمت خواهران و برادران تقسیم شد.

یادداشت

پرویز کردوانی

پدر علم کویرشناسی و چهره ماندگار جغرافیای ایران

قطار سریع‌السیر مشهد-تهران و تهدید فرونشست زمین

موضوع فرونشست دشت‌های ایران، اتفاق تازه‌ای نیست و سال‌هاست که کارشناسان درباره حاد بودن شرایط این دشت‌ها به واسطه برداشت‌های بی رویه هشدار می‌دهند اما در سایه سنگین غفلت، مخاطرات پیش رو به فراموشی سپرده می‌شود و همه دغدغه ما این است که روزی مسئولان به خود بیایند که به واقع برای پیشگیری دیر شده باشد یا خسرانی جبران ناپذیر، گریبان مردمان را گرفته باشد.

اما از آنجا که در مقام کارشناس، رسالت ما تلنگر و تذکر مدام در این باره است، دوباره به مسئولان و متولیان امر یادآوری می کنیم که؛ چاه‌های زیادی اعم از مجاز و غیرمجاز در ایران حفر شده که زمین بر اثر وفور حفر این چاه‌ها در بسیاری از نقاط کشور فرونشست کرده است. نخستین فرونشست‌ها در ایران در اوایل دهه ۶۰ آغاز شد که اولین آن در شهرستان رفسنجان اتفاق افتاد.

فرونشست زمین ۲۰ پیامد را به دنبال دارد که از جمله این پیامدها می‌توان به شکسته شدن راه‌های آسفالتی و ریل راه آهن، شکستن لوله آب و گاز، فروریختن ساختمان‌ها، منحرف شدن دکل‌ها، شکستن پل‌ها و... اشاره کرد.

خط راه آهن سریع‌السیر تهران- مشهد هم از این قاعده مستثنا نیست چنان که خبر فرونشست زمین در مسیر این راه آهن در روزهای اخیر به سوژه داغ بسیاری از مطبوعات و رسانه‌ها تبدیل شد.

دشت‌های بسیاری همچون دشت‌های تهران، ورامین، گرمسار، سرخه، سمنان، دامغان، شاهرود، سبزوار، نیشابور و مشهد در مسیر خط راه آهن مذکور واقع شده‌اند که تمامی این دشت‌ها به ویژه دشت نیشابور به دلیل حفر چاه‌های غیرمجاز دچار نشست جدی شده، علاوه بر آن دشت ورامین هم دو متر نشست کرده و تبدیل به دره‌های کوچکی شده است.

از منظر بسیاری از صاحب نظران این فرونشست زمین را می‌توان «زلزله آرام» نامید. اگر در دشت‌هایی که دچار نشست شده‌اند، باران هم ببارد دیگر آب نمی‌تواند به زمین نفوذ کند، حال شاید قبل از فرونشست زمین و با پایین آمدن سطح آب تا حدی می‌شد این مسئله را جبران کرد، اما در شرایط فعلی کار چندانی از دست مسئولان ساخته نیست.

با این تفاسیر عبور قطار سریع‌السیر با سرعت ۲۵۰ کیلومتر در ساعت، بسیار خطرناک است و تهدید کننده جدی جان هموطنانمان محسوب می‌شود، حال شاید عبور قطار معمولی از خط راه آهن مشهد- تهران مشکلی جدی نداشته باشد اما عبور قطار سریع السیر در این مسیر خطر و تهدید جدی برای جان مردم محسوب خواهد شد.

بنابراین باید با شناسایی، مطالعه و ارزیابی قسمت‌هایی از زمین که دچار نشست شده است، از تشدید این فرونشست جلوگیری کرد؛ زمینی را که نشست کرده است باید پُر کرد و اطمینان حاصل نمود که دیگر نشست نمی‌کند، اما متاسفانه محققانی که بتوانند این آسیب را مدیریت کنند و مشاوره کارشناسانه نیز در این خصوص ارائه کنند، در این حوزه فعال نیستند و هیچ کار کارشناسی در این خصوص انجام نمی‌گیرد که اگر می‌گرفت شرایط امروز این چنین نبود. مسئولان برای اجرای یک پروژه صرفا مهندسان مشاوری را به کار می‌گیرند که آنان هم فقط به ساخت و ساز اکتفا می‌کنند و به این مسائل دقت چندانی ندارند.

با این حال و فور نشست زمین، مسئولان را بر آن داشت که از ۳۰۰ دشت موجود در کشور سه چهارم دشت‌ها را ممنوعه اعلام کنند و به کسی اجازه حفر چاه در دشت‌های مذکور را ندهند. بنده این تهدید را در جلد نخست کتاب «منابع و مسائل آب در ایران» با عنوان «آب‌های سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره‌برداری از آن‌ها» در سال ۱۳۶۳ به مسئولان گوشزد کردم و عواقب و پیامدهای آن را هشدار دادم اما کسی این هشدارها را جدی نگرفت.

خطه خراسان رضوی و شهر مشهد دشوارترین شرایط را به لحاظ منابع آبی دارد، زیرا هر سال بر جمعیت زائران افزوده می‌شود و نیازهای آن‌ها پاسخ داده نمی‌شود و فرهنگسازی موثری هم برای کنترل مصرف آب در میان این جمعیت متغیر شهر، انجام نمی‌گیرد.

ساخت هتل پنج ستاره در این شهر اشتباه بزرگی است، هر چند که ساخت این هتل‌ها برای اقامت زائران مطلوب است، اما نباید از این نکته غافل شد که نگهداری این هتل‌ها نیازمند آب فراوان است. کاشت چمن و ساخت مجموعه‌های گردشگری در این شهر زیارتی تهدید بزرگ دیگری به شمار می‌آید، چرا که ساخت این مجموعه‌ها موجب می‌شود جمعیت زیادی به شهرها سرازیر شوند و روستاها خالی از سکنه شود. سد دوستی که تامین کننده بخشی از ظرفیت آبی مشهد است، با توجه به شرایطی که در بحث منابع تغذیه کننده آن وجود دارد، ۲ تا ۳ سال دیگر ناکارآمد می‌شود، از سوی دیگر می‌دانیم که دشت مشهد نیز فاقد آب است. از این رو مسئولان ذی‌ربط باید در زمینه تامین منابع آبی پایدار برای این شهر چاره‌ای بیندیشند که در آینده به سرنوشت سد دوستی دچار نشود.

البته این جنس تهدید منابع آبی، تنها متوجه شهر مشهد نیست و حالا دامنگیر بسیاری از شهرستان‌ها از جمله قم، گرمسار و سمنان شده است، به طور مثال شهرستان کبودرآهنگ در استان همدان به دلیل ساخت نیروگاه و فسا و داراب در استان فارس نیز با مخاطرات جدی مشابهی روبه رو هستند، از این رو از مسئولان انتظار می‌رود پیش از هر چیز نسبت به پیشگیری و جلوگیری از تشدید این مسئله اقدام کنند تا خدایی ناکرده شاهد خسارت جانی و مالی هموطنانمان نباشیم.